

پژوهشهای جغرافیائی - شماره ۳۸، مهرماه ۱۳۷۹
صص ۵۷-۶۹

جغرافیای کاربردی و ساماندهی نظام فعالیت با رویکرد

ساختاری - راهبردی در سطوح ناحیه‌ای^(۱)

دکتر رحیم سرور - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرری

چکیده

بعد از طرح آمایش سرزمین و طرحهای منطقه‌ای، طرحهای ناحیه‌ای و یا به تعاریفی طرح جامع شهرستان مطرح می‌گردد. این طرحها به استناد «آیین‌نامه مربوط به استفاده از اراضی، احداث بنا و تأسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها» مصوب ۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۵ و الحاقی ۷۳/۱۱/۵ تهیه می‌شوند.

ساماندهی به نظام فعالیت انسان در فضای خرد (شهرستان) بمنظور استفاده بهینه از زمین یا عبارتی دیگر، ساماندهی فضایی نظام اسکان و فعالیت، هدف اصلی و نهایی این قبیل طرحهاست که از طریق استخراج و ارائه دو سند تحقق می‌پذیرد:

- تعیین کاربری بهینه (پیشنهادی) در قالب «نقشه منطقه‌بندی کاربری اراضی، محدودیتهای جغرافیای و اراضی توسعه شهرهای موجود و جدید».

- ساماندهی نظام ساختار فضایی در قالب «نقشه مجموعه‌ها و حوزه‌های همیار».

هدف این مقاله نشان دادن نحوه استخراج سند اول با تأکید بر نقش و جایگاه جغرافیای کاربردی در رویکرد ساختاری - راهبردی است و برای این منظور ناحیه سراب انتخاب شده است.

واژگان کلیدی: طرح ساختاری، منطقه‌بندی، قابلیت‌های زمین، محدودیت‌های زمین (اراضی پرمخاطره)، جغرافیای کاربردی

مقدمه

ساماندهی نظام فعالیت انسان در فضا نوعی برنامه‌ریزی بلندمدت است که اصطلاحاً آمایش سرزمین نامیده می‌شود (آمایش سرزمین و آموزش عالی، ۱۳۷۳، ص ۲۷). در واقع آمایش سرزمین نوعی برنامه‌ریزی بلندمدت برای توزیع بهینه جمعیت و فعالیت متناسب با بنیانهای جغرافیایی بمنظور افزایش رفاه و توسعه جامعه است (فولادی، ۱۳۶۴، ص ۱۵). جهت تنوع در مقیاس فضا (از خانه تا سطح ملی)، آمایش سرزمین نیز که رسالت انتظام

۱- این مقاله چکیده‌ای از رساله دکتری نویسنده تحت عنوان «نقش بنیانهای جغرافیای ناحیه‌ای در ساماندهی نظام فعالیتهای انسانی (مطالعه موردی شهرستان سراب)» می‌باشد که به راهنمایی استاد محترم جناب آقای دکتر حسین آسایش تهیه و در آبان ۱۳۷۸ دفاع شده است.

بخشی و ساماندهی به فضا را دارد، در مقیاسها و سطوح مختلف مطرح می‌شود؛ پس همچنان که معمار، ساماندهی فضای یک خانه را عهده‌دار است؛ جغرافیدان نیز به دنبال ساماندهی فضای ناحیه‌ای می‌باشد (احمدی، ۱۳۷۴).

نحوه ساماندهی به نظام فعالیتی در سطوح ناحیه‌ای در پیوند با سطوح دیگر برنامه‌ریزی با توجه به بنیانهای جغرافیایی و در نگرش ساختاری - راهبردی تاکنون بصورت جامع و مانع مطالعه نشده و دستیابی به چنین هدفی رسالت نهایی این مقاله می‌باشد.

ضرورت طرح مقوله فوق به عنوان هدف نهایی از چند ناحیه نشأت می‌گیرد که رئوس کلی آنها بشرح زیر است:

- ضرورت پابندی به اصول توسعه پایدار ما را ملزم می‌سازد که با حصول به شناختی عمیق از ظرفیتهای ناحیه‌ای، ضمن استفاده منطقی و اصولی، زمینه‌های بقاء این منابع را برای نسلهای آتی فراهم کنیم.
- عامل ضرورت بخش دیگر، بهینه نبودن استفاده از زمین در وضع موجود می‌باشد که تبعات آنرا می‌توان در فرسایش خاک، هدر رفتن آب، پایین بودن میزان تولید و... مشاهده کرد.

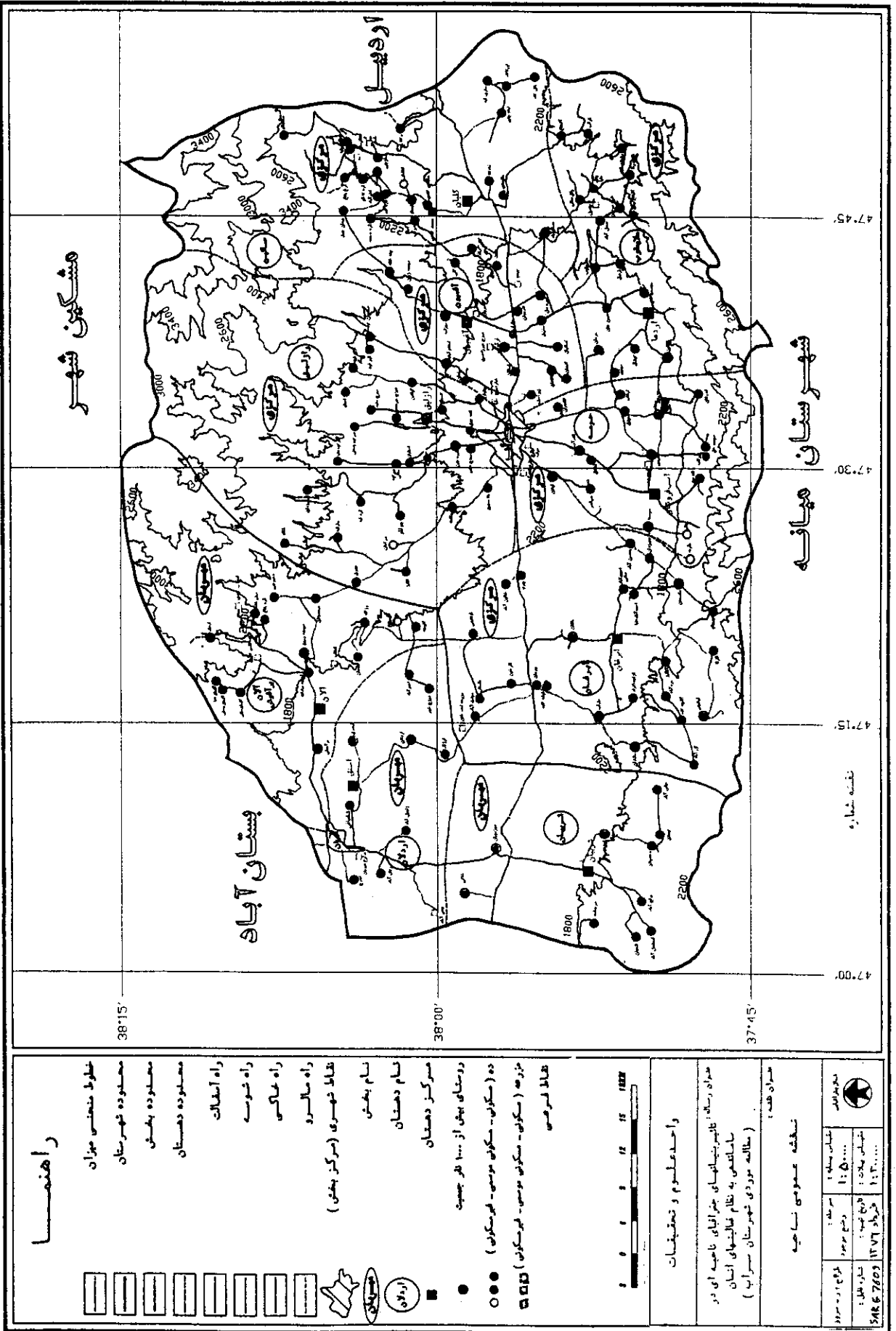
- ضرورت دیگر طرح چنین هدفی از کاهش روزافزون درآمدهای نفتی، به موازات افزایش روزافزون جمعیت نشأت می‌گیرد که ما را ملزم می‌سازد بجای اتکاء به منابع نفتی، به فکر شناخت قابلیتها و ظرفیتهای سرزمینی نواحی مختلف بوده و طرح نوینی در استفاده از اراضی در ارتباط با استقرار جمعیت و فعالیت دراندازیم و از این به بعد بجای منطقه‌ای کردن برنامه‌های ملی، به فکر ملی کردن برنامه‌های منطقه‌ای باشیم.

- جمعیت مطلق مناطق شهری و روستایی در حال افزایش است و رشد و توسعه ساخت و سازهای شهری و روستایی به ضرر زمینهای کشاورزی، در شرایطی به شکل خزننده پیش می‌رود که روستاهای سنتی ما نیز بدلیل عدم استفاده صحیح از توانهای محیطی، ظرفیت نگهداشت اضافه جمعیت خود را نداشته و آنها را بنفع مناطق شهری از دست می‌دهد.

علاوه براین، عامل ضرورت بخش دیگر، بهینه نبودن رابطه انسان با محیط و عدم استفاده اصولی از زمین، زمینه تخریب و هدررفت قابلیتهای آب و خاک نواحی را بعنوان مؤلفه اساسی توسعه پایدار فراهم ساخته است؛ لذا آمایش سرزمین در سطوح ناحیه‌ای ضمن شناخت توانها و تنگناهای جغرافیایی بایستی راهکارهای مناسب استفاده اصولی از آنها را ارائه بدهد (سرور، ۱۳۷۶).

با توجه به ضرورتهای مذکور، هدف اصلی این مقاله ارائه نگرش و شیوه‌ای جدید در ساماندهی به نظام استقرار جمعیت و فعالیت در سطوح ناحیه‌ای و با تأکید بر بنیانهای جغرافیایی می‌باشد. برای این منظور شهرستان سراب بعنوان مطالعه موردی انتخاب شده که موقعیت و مشخصات کلی آن بشرح نقشه شماره (۱) و جدول شماره (۱) می‌باشد. شیوه ارائه مطالب بدین صورت است که ابتدا با مفهوم ساماندهی نظام فعالیت با رویکرد ساختاری و راهبردی و نقش جغرافیا آشنا می‌شویم. سپس نحوه و مراحل مطالعه و روش کار توضیح داده شده و در نهایت با ارائه نقشه «منطقه‌بندی کاربری پیشنهادی اراضی» نحوه کاربست آن در تصمیم‌گیری در خصوص توزیع و استقرار انواع فعالیتها در محدوده مورد مطالعه نشان داده می‌شود.

نقشه ۱- نقشه عمومی ناحیه



راهنما

- خطوط منحنی میزان
- محدوده شهرستان
- محدوده بخش
- محدوده دهستان
- راه آسفالت
- راه شوسه
- راه خاکی
- راه مالرو
- نقاط شهری (مرکز بخش)
- نام بخش
- نام دهستان
- مرکز دهستان
- روستای بیش از ۱۰۰ نفر جمعیت
- ده (مکتون - مکتون موسی - کورکتون)
- مزرعه (مکتون - مکتون موسی - کورکتون)
- نقاط لرزه‌خیزی

واحد معلوم و تقویمات

مدان رساله: پایتختیهای غیر آلیای ناحیه آری در
 ساتراپی به نظام فائزینهای آستان
 (مطالعه موردی شهرستان سیراب)

شهران هند:

مقیاس	۱:۳۰,۰۰۰
مقیاس عمودی	۱:۳۰,۰۰۰
مقیاس افقی	۱:۳۰,۰۰۰
مقیاس عمودی	۱:۳۰,۰۰۰
مقیاس افقی	۱:۳۰,۰۰۰

پیشینه و رویکرد انتخابی

ساماندهی محیط طبیعی و ایجاد محیط جغرافیایی همواره از معمول‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین فعالیت‌های بشر بوده که بموازات توسعه جوامع بشری، مراحل متعددی را طی کرده است. در ایران، فعالیت وسیع در نظام‌دهی و ساماندهی به نظام فضایی استقرار جمعیت و فعالیت در سطوح ناحیه‌ای، در سالهای اولیه دهه ۷۰ در قالب طرح‌های توسعه و عمران (جامع) ناحیه‌ای با هدف «ساماندهی فضایی نظام استقرار جمعیت و فعالیت در سطح شهرستان» مطرح شد. این طرح‌ها ادامه طرح‌های جامع شهری از بعد روش‌شناسی و ادامه مطالعات منطقه‌ای و ناحیه‌ای از بعد نگرش بوده‌اند که در دهه‌های گذشته در نقاط مختلف کشور تهیه و گاهی اجرا شده‌اند (سرور، ۱۳۷۷).

طرح‌های توسعه ناحیه‌ای نیز عمدتاً نیز با نظرگاهی اقتصادی و با تأسیس سازمان برنامه در سال ۱۳۲۷ و اقدام به تهیه طرح‌های توسعه مناطق مستعد مغان، جیرفت، قزوین و غیره مطرح شد (فرویدی، ۱۳۷۵). روند تکاملی طرح‌های مذکور در نیمه اول دهه ۱۳۵۰ با تهیه طرح‌های منطقه‌ای برای برخی از استانها دنبال و منجر به تهیه طرح آمایش سرزمین شد که همزمان، دیدگاهی اقتصادی، فضایی و میان‌بخشی داشت و در پی ساماندهی نظام فضایی در سطح کشور و استانها بود.

وقوع انقلاب اسلامی و تحولات بعدی، مانع از اجرای برنامه عمرانی ششم شد. در سالهای بعد از انقلاب نیز وقوع جنگ و شاید شتابزدگی در تهیه طرح مجدد آمایش، باعث نادیده گرفتن طرح آمایش سرزمین شد و سعی بر حل معضل توسعه کالبدی شهر در داخل شهر و حوزه نفوذ آن سبب گردید که همگرایی ایجاد شده در نگرشی اقتصادی، فضایی و میان‌بخشی تحقق نیابد. ضعف‌های طرح‌های توسعه و عمران حوزه نفوذ بعد از تجربه‌ای چند ساله، بار دیگر لزوم توجه به ساماندهی نظام استقرار جمعیت و فعالیت و ساماندهی شهر در بستر ناحیه‌ای را مطرح کرد (وزارت کشور، ۱۳۶۹). که در واقع به طرح دوباره نظرات آمایشی بعد از دو دهه، ولی این بار با توجه به قابلیت‌ها و محدودیت‌های جغرافیایی، اقتصادی و مسائل مدیریتی در سطحی کوچکتر یعنی شهرستان (بعنوان ناحیه برنامه‌ریزی) منجر شد.

در رویکرد جدید، جغرافیا می‌تواند نقش بارزی در جنبشی که در این زمینه آغاز شده، داشته باشد؛ بدین صورت که می‌تواند بعنوان علم سازماندهی نظام فضایی با برخورداری از نگرشی عمیق به مقوله توسعه پایدار و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای و نیز بکارگیری الگوهای متعدد بمنظور بررسی نظام استقرار جمعیت و فعالیت در ارتباط با بنیانهای جغرافیایی، شناسایی توانها و تنگناهای جغرافیایی، نحوه کاربری اراضی، نحوه تنظیم رابطه انسان و محیط، بررسی تأثیرات اقتصاد سیاسی و سایر عوامل مؤثر در اسلوبهای فضایی و غیره نقش مهمی در این زمینه ایفا کند (سرور، ۱۳۷۸).

تحقیق حاضر تلاشی در اثبات جایگاه جغرافیا در ساماندهی نظام فعالیتهای انسان در فضای ناحیه‌ای با تأکید بر بنیادهای جغرافیای در رویکرد «ساختاری - راهبردی» است.

ساماندهی نظام فعالیتی در رویکرد ساختاری - راهبردی

امروزه واژه «ساختاری - راهبردی» اصطلاح مناسبی برای معرفی روشها و دیدگاههای نو در برنامه‌ریزی و

توسعه و عمران ناحیه‌ای از بعد آمایشی محسوب می‌شود (کلارک، ۱۹۹۲). عنوان «ساختار» بیانگر آن است که این‌گونه برنامه‌ریزی فقط با عناصر و کارکردهای اصلی ناحیه بعنوان یک «کُل یکپارچه» و تحول‌پذیر سروکار دارد. همچنین اصطلاح «راهبردی» مبین آن است که اینگونه برنامه‌ریزی معطوف به هدایت و نظارت بر سیستم ناحیه است و هیچگونه ادعایی برای پیش‌بینی دقیق آینده و تعیین تکلیف دقیق همه کاربرها در سطح خرد ندارد. در واقع طرح ساختاری وسیله‌ای برای هدایت نیروهای ناحیه در جهت تأمین هدفهای رشد اقتصادی و اجتماعی است (جامعه مهندسان مشاور، ۱۳۷۷).

این تفکر نشأت گرفته از اندیشه‌های جدیدی است که اخیراً در زمینه فلسفه جغرافیا، رابطه جامعه و فضا و بالاخره تأثیرات متقابل اقتصاد سیاسی با فضا مطرح شده است (اطهاری، ۱۳۷۶). سایر مشخصات طرح و برنامه پیشنهادی در رویکرد ساختاری - راهبردی بشرح زیر است:

- در رویکرد ساختاری راهبردی بجای تأکید بر ابعاد و شکل توسعه کالبدی و تعیین قطعی کاربری زمین، بیشتر به اهداف درازمدت توسعه و هماهنگی آن با توسعه فضایی توجه شده است. در واقع طرح پیشنهادی ترجمان سیاستهای اقتصادی - اجتماعی در خصوص کاربری زمین و شرایط محیط و رفاه انسانهاست که به نوبه خود راهنمایی برای تهیه طرحهای موردی و محلی و هدایت آنها است.

- با توجه به خصلت چند رشته‌ای و میان‌دانشی مطالعات ناحیه‌ای و منطقه‌ای، مبانی فلسفی و علمی همه این الگوها به دانشهای عام و فرارشته‌ای مثل «نظریه سیستمها» و «نظریه ارتباطات» برمی‌گردد. همچنین جوهر همه آنها بر «کل‌نگری و نگرشی سیستمی» استوار است که بر شناخت یکپارچه عناصر و ارتباطات اصلی و روندها و نیروهای کمی و کیفی مؤثر بر حیات ناحیه بجای بررسی تفصیلی اجزاء و واحدهای جدا از هم تأکید و اسرار می‌ورزد (مشهودی، ۱۳۷۵).

- از دیدگاه سیستمی، ناحیه پدیده‌ای پیچیده، چند بعدی و پویاست که پیش‌بینی برای تمام تحولات و تغییرات و برنامه‌ریزی دقیق و کامل برای تمام عناصر و اجزاء آن نه ممکن و نه لازم است. لذا ناحیه به جامع‌نگری نیاز دارد و نه طرح جامع (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵).

نقش جغرافیای کاربردی در ساماندهی نظام فعالیتی (آمایش سرزمین)

هدف آمایش سرزمین تنظیم رابطه بین انسان، فضا و فعالیتهای انسان در فضا (ساماندهی نظام فعالیتی انسان در فضا) بمنظور بهره‌گیری مناسب و اصولی از قابلیت‌های سرزمینی است. رابطه آمایش سرزمین و جغرافیا می‌تواند تعبیرهای فراوانی داشته باشد، می‌توان جغرافیا را تبیین نوع استقرار و توزیع جمعیت و فعالیت در عرصه سرزمین دانست و آمایش را تنظیم رابطه بین این عناصر محسوب داشت (فولادی، ۱۳۶۶).

در هر حال هم در جغرافیا و هم در آمایش سرزمین سه نوع عنصر اساسی وجود دارد که زمینه‌های اصلی فعالیت هستند: انسان، فضا و فعالیت. به تعبیری بهتر، جغرافیا آمایشی‌ترین علوم و آمایش سرزمین جغرافیایی‌ترین نوع برنامه‌ریزی است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۵).

در ادامه، با ابعاد دیگر از نقش جغرافیا کاربردی در ساماندهی نظام فعالیتی (آمایش سرزمین) آشنا

- ساماندهی نظام فضایی بعنوان یکی از اهداف آمایش سرزمین در گرو شناخت آرایش فضایی پدیده‌ها و وقوف بدانهاست. بعبارت دیگر بررسی نحوه پراکندگی پدیده‌ها و مکانیزمهای حاکم بر آن بمنظور ساماندهی بهینه ساختار فضایی، از جمله مباحث اصلی در آمایش سرزمین است که جغرافیا بعنوان «مکتب سازمان فضای زندگی» (شکویی، ۱۳۶۸) نقش اساسی در این زمینه ایفا می‌کند، بطوریکه برخی از جغرافیدانان، جغرافیا را علم پراکندگی می‌دانند و اهمیت خصلت توجه به پراکنش مکانی - فضایی پدیده‌ها در جغرافیا، بحدی است که مطالعه علل پیدایش، سیر تکوینی، الگویابی، کیفیت پخش و در نهایت میزان تأثیرگذاری این پدیده‌ها (طبیعی و انسانی) در شیوه زندگی مردم در چارچوب «جغرافیای کاربردی» اعتبار علمی شایسته‌ای پیدا کرده است.

- ساماندهی نظام فعالیتی نوعی برنامه‌ریزی فیزیکی بلندمدت است که بر استفاده بهینه از زمین بمنظور استقرار فعالیتها تأکید می‌کند. از آنجا که مطالعه زمین و نحوه تخصیص آن به انواع کاربریها، در محدوده علم جغرافیا قرار می‌گیرد، می‌توان به ارتباط بسیار نزدیک مطالعات آمایشی و جغرافیایی پی برد. بطوریکه فریدمن در این خصوص می‌نویسد:

«برنامه‌ریزی اساساً جغرافیای کاربردی است که منظور از این تعبیر آن بخش از برنامه‌ریزی است که مستقیماً با مکان جغرافیایی در ارتباط است» (فریدمن، ۱۹۷۱، ص ۲۶۳).

- طرح‌ریزی کالبدی با کلی‌نگری به بخشهای مختلف، سعی در برقراری هماهنگی و توازن بین آنها با تأکید بر شرایط مکانی جهت آماده‌سازی بستری مناسب برای موفقیت طرحها و برنامه‌هایی که در نظام‌بخشی ارائه می‌شوند، دارد. با توجه به اینکه سنت کلی‌نگری در جغرافیا جهت موفقیت هر نوع برنامه‌ریزی در رابطه با مکان (فضا) ضروری تشخیص داده می‌شود، می‌توان به وحدت نگرش جغرافیا و طرح و برنامه کالبدی پی برد و همچون برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، جغرافیای کاربردی را نیز شاخه‌ای میان رشته محسوب کرد (سرور، نقش جغرافیای کاربردی در طرح توسعه و ...، ۱۳۷۷).

- هدف از تنظیم رابطه بین انسان، فضا و فعالیتهای انسان در فضا در مطالعات آمایشی، تحقق توسعه پایدار و یا عبارتی سرزمین‌آرایی بدون سرزمین‌آلایی است که اساس کار جغرافیای کاربردی نیز تحقق همین هدف است. توضیح اینکه در جغرافیای کاربردی، اهداف توسعه و حفاظت محیط زیست مکمل یکدیگرند و توسعه ضمن پیوند با ابعاد محیط زیست، موجبات پایداری رشد و توسعه جوامع انسانی را فراهم می‌سازد (سرور، نقش جغرافیای کاربردی در ساماندهی ...، ۱۳۷۸).

شیوه برخورد و نحوه مطالعه

توجه به اصول اساسی توسعه پایدار، تدوین چارچوبی مشخص برای نظارت بر استقرار کاربریها در خارج از حریم استحفاظی شهرها و الزام به برقراری نظام کنترل در استفاده اصولی از اراضی و نیز اهمیت توجه به قابلیتها و محدودیتهای سرزمینی در استقرار فعالیتها از یک طرف و آشنایی با نقشی که جغرافیا و توجه به بنیانهای جغرافیای ناحیه‌ای می‌تواند در نظام برنامه‌ریزی و موفقیت طرحهای کالبدی داشته باشد از طرف دیگر، ضرورت ارائه نگرش و شیوه‌ای جدید در ساماندهی نظام فعالیتی انسان در فضا را مطرح ساخته است. برای روشن شدن ابعاد مختلف مسأله فوق که بصورت خام مطرح شده، نیاز به یافتن روش مناسب بود. بدین منظور ابتدا مسائل

مطروحه پیرامون موضوع، یعنی تجربیات جهانی و قابلیت‌های جغرافیای کاربردی و ناحیه‌ای بررسی شد، سپس در تلاش برای آشنایی با ابعاد و اهداف طرح‌های ناحیه‌ای، مدل‌های گوناگون برنامه‌ریزی با خصلت آمایشی در ایران شامل طرح آمایش، طرح کالبدی و طرح‌های منطقه‌ای یا ناحیه‌ای و همچنین نحوه ارتباط طرح‌های با خصلت میان‌بخشی در نظام برنامه‌ریزی بخشی مورد مطالعه قرار گرفت و نسبت به استخراج اهداف و ضرورت‌های طرح‌های ناحیه‌ای از طرح‌های فرادست اقدام شد. پس از آن نیز با توجه به ضرورت‌ها و اهداف تعیین شده، انطباق آنها با واقعیات و شرایط فعلی کشور و نواحی و جایگاه جغرافیای کاربردی و بنیان‌های جغرافیای ناحیه‌ای نسبت به تعیین هدف کلی، رویکرد و شیوه تحقق هدف نهایی مبادرت گردید.

در نهایت نیز بر اساس مبانی تعریف شده برای تهیه ناحیه‌ای در رویکرد ساختاری - راهبردی به استخراج خط‌مشی و اهداف طرح‌های فرادست و ساماندهی نظام فعالیتی و جایگاه ناحیه مورد مطالعه، اقدام شد (گردش کلی کار در نمودار شماره ۱ تصویر شده است).

براین اساس، مطالعات وضع موجود تحت سه مبحث اصلی ساختار اکولوژیکی، ساختار اقتصادی و ساختار اجتماعی و نظام استقرار کانون‌های جمعیتی صورت گرفته و در این راستا نقشه‌هایی در مقیاس $\frac{1}{100,000}$ در محیط کامپیوتری از خصیصه‌های جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی تهیه شد.

- در مرحله تحلیل با استفاده از مدل‌های ارزیابی چند عامله از طریق برهم نهاد، تمامی لایه‌های اطلاعاتی تهیه شده در وضع موجود در محیط کامپیوتری، نسبت به استخراج نقشه قابلیت اراضی (کاربری بهینه)، نقشه تنگناهای جغرافیایی مؤثر در استقرار جمعیت و فعالیت و همچنین نقشه اراضی مناسب با توسعه آبی شهرهای موجود و جدید اقدام شد.

- در مرحله طرح و برنامه پیشنهادی، با توجه به اصول علمی و پشتوانه اجرایی منطقه‌بندی کاربریها، ضمن استخراج «نقشه پیشنهادی ساماندهی نظام استقرار جمعیت و فعالیت» نسبت به تدوین دستورالعمل استقرار انواع فعالیتها براساس کدبندی بین‌المللی (I.S.I.C) اقدام شد.

در ادامه با توجه به اهمیت موضوع صرفاً به نحوه ارائه برنامه پیشنهادی می‌پردازیم:

ارائه برنامه مؤثر در ساماندهی نظام فعالیتی

از آنجا که هدف اصلی و نهائی از هرگونه مطالعه آمایشی، تشخیص و تعیین مشکلات موجود زندگی انسان و مسائل مدیریت زیست محیطی و طراحی و پیشنهاد راه‌حلهای مناسب با آن است؛ لذا مطالعات آمایشی نمی‌تواند به دور از وظیفه برنامه‌ریزی و ارائه پیشنهادها و سیاستهای مطلوب باشد؛ در این صورت و نهایتاً هرگونه مطالعه آمایشی به ارائه سندی خواهد انجامید که در آن نظم نوینی از سازماندهی فعالیتهای انسانی بر پهنه سرزمین تصویر شده است (غازی، ۱۳۶۹).

در جهت تکمیل مباحث فوق لازم به توضیح است که براساس تجربیات بدست آمده در سالهای اخیر، اصولاً پیشنهاد و تعیین نحوه استفاده از اراضی در حیطه طرح‌های جامع شهری نیز نبوده است (اگرچه گاهی ارائه می‌شده است). نظریات جدید حتی برای طرح‌های تفصیلی نیز نحوه استفاده از اراضی به این دقت را صلاح نمی‌داند و عمدتاً به انعطاف و امکان استفاده و بهره‌وری از تمامی امکانات هر سرزمین می‌اندیشد. در برنامه‌های

توسعه ناحیه‌ای نیز با توجه به کوچک مقیاس بودن نقشه‌هایی که در نهایت به استخراج سند منطقه‌بندی می‌انجامد و فراوانی عملکردهایی که در یک پهنه می‌توانند جایگزین شوند، به طریق اولی، ارائه چنین نقشه‌ای نه ممکن، نه ضروری و نه مفید است (مهندسین مشاور معماری و شهرسازی زیستا، ۱۳۷۸). بنابراین در این طرح با استفاده از نقشه توانها و تنگناهای محیطی و حریم‌ها، اراضی ناحیه منطقه‌بندی شده و سپس در هر یک از مناطق همگون، فعالیت‌هایی که «می‌توانند» (مجاز) یا «نمی‌توانند» (ممنوع) و یا بصورت «مشروط» می‌توانند استقرار یابند، مشخص شده است. (نقشه شماره ۲ در واقع نقشه پیشنهادی ساماندهی نظام استقرار جمعیت و فعالیت ناحیه مورد مطالعه را نشان می‌دهد). کل اطلاعات نقشه مذکور را از نظر استقرار جمعیت و فعالیت می‌توان به دو گروه (لایه) عمده تقسیم‌بندی کرد:

لایه اول: منطقه‌بندی کاربری اراضی و محدوده کاربریهای عمده؛

لایه دوم: حوزه حریم‌ها و اراضی جغرافیایی حساس و آسیب‌پذیر.

منطقه‌بندی ارائه شده به همراه ضوابط و مقررات آن (که در ادامه در قالب جدول خواهد آمد) حداقل از سه جنبه موجبات نظم فضایی ناحیه را در بلندمدت فراهم می‌آورد:

۱- تناسب و سازگاری عملکرد یا فعالیت با محیط با تکیه بر حفظ توان محیطی سرزمین؛

۲- تناسب و سازگاری عملکردهای همجوار؛

۳- تناسب و سازگاری عملکرد یا فعالیت با محیط با تأکید بر حفظ عملکرد.

شیوه برخورد در ارائه مجموعه دستورالعمل یا ضوابط و مقررات استقرار فعالیت در ارتباط با سند (نقشه)

پیشنهادی به دو صورت کلی می‌باشد:

۱- در محدوده «منطقه‌بندی کاربری اراضی و محدوده کاربریهای عمده» ملاک عمل و راهنمای مسئولان

اجرایی (خصوصاً کمیسیون ماده ۱۳) در صدور مجوز استقرار فعالیت‌های پهنه‌ای، جدول شماره یک خواهد بود.

۲- در حوزه حریم‌ها و اراضی جغرافیایی حساس و آسیب‌پذیر، استقرار جمعیت و فعالیت تابعی از

مجموعه ضوابط سازمانهای ذیربط در این زمینه است؛ بعنوان مثال می‌توان به مجموعه ضوابط وزارت نیرو در

خصوص حریم رودخانه‌ها، چاهها و تأسیسات آبرسانی و یا به مجموعه ضوابط و مقررات وزارت راه و ترابری در

خصوص حفظ حریم راهها اشاره کرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مقوله برنامه‌ریزی ناحیه‌ای هر چند از طرف محققین رشته‌های مختلف از جمله جغرافیدانان مورد بحث

بوده و اقدامات شایسته‌ای نیز در این زمینه انجام شده، ولی تاکنون عنایت لازم و جدی در شأن جغرافیا از طرف

جغرافیدانان صورت نگرفته است. بطوریکه بحث روابط متقابل انسان و محیط که یکی از خصیصه‌های بارز علم

جغرافیا (در کنار سایر خصیصه‌ها نظیر تحلیل اقتصاد سیاسی و خصلت فضایی پدیده‌ها) و از اصول مسلم توسعه

پایدار محسوب می‌شود، تا حدودی فراموش شده است. وانگهی تئوریهای حاکم بر مطالعات و برنامه‌های توسعه

ناحیه‌ای و آمایش سرزمین در برخی از زمینه‌ها ناظر بر کارهای عملی در این خصوص نیست؛ لذا جهت تقویت

نقش جغرافیدانان در زمینه طرح‌ریزی کالبدی در سطوح مختلف، خصوصاً ناحیه‌ای، توجه به موارد زیر مفید بنظر

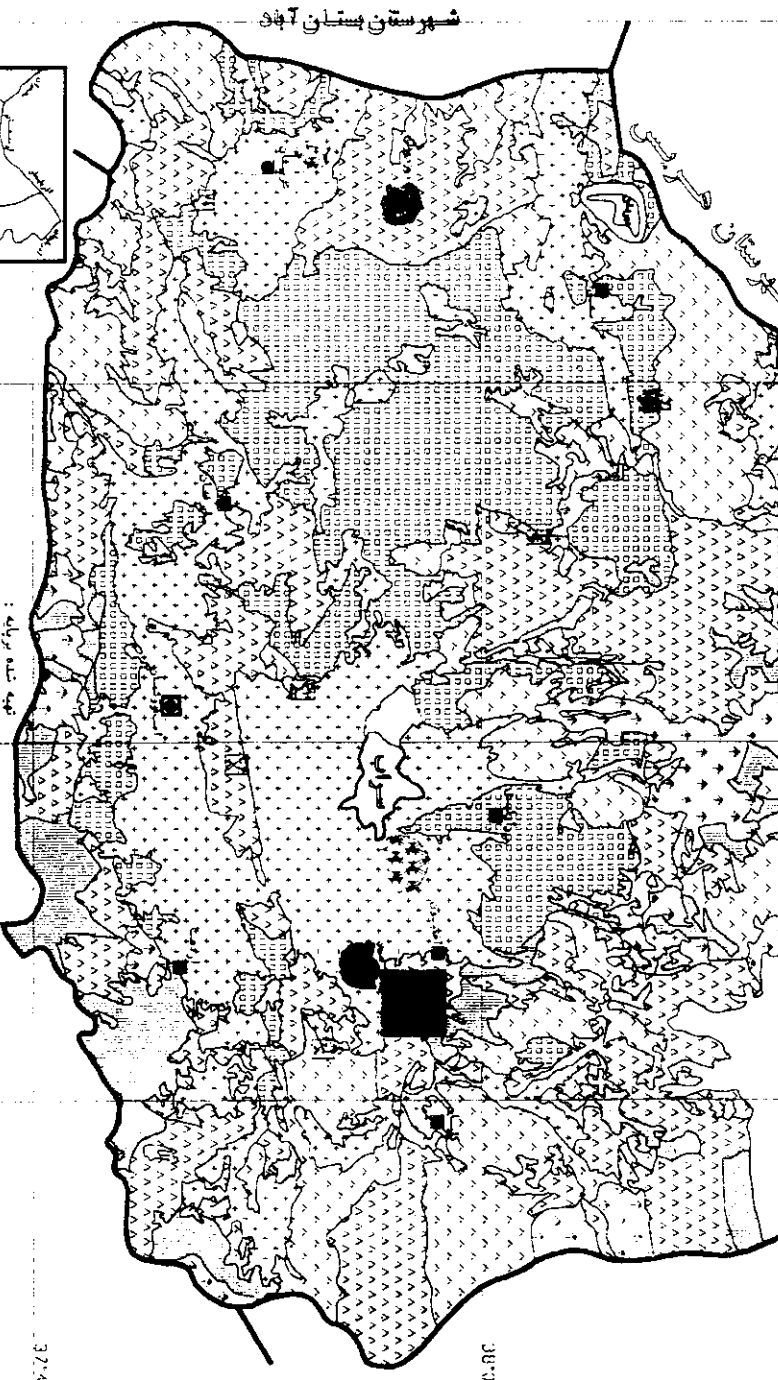
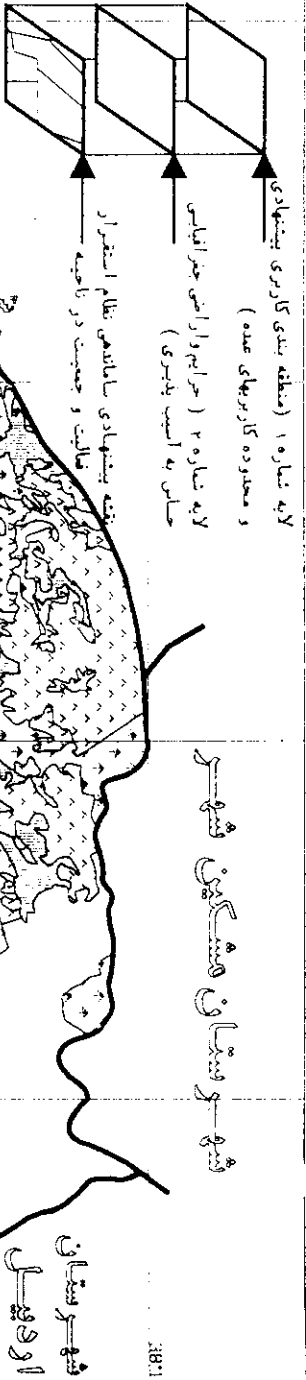
می‌رسد:

- تأکید هر چه بیشتر بر بعد جغرافیا در طرح‌ریزی کالبدی در رویکرد ساختاری - راهبردی
- حاکمیت نگرش سیستماتیک در آموزش‌های دانشگاهی و پژوهش‌های جغرافیایی خصوصاً در عرصه مطالعات ناحیه‌ای^(۱)
- آموزش اصول، فنون و روش‌های طرح‌ریزی کالبدی برای دانشجویان جغرافیا.

۱- یکی از نواقص اصلی مطالعات جغرافیایی در عرصه طرح‌های توسعه و عمران ناحیه‌ای یا شهرسازی عدم حاکمیت نگرش نظام‌مند (سیستماتیک) بر این قبیل مطالعات است و لذا می‌بینیم که در مرحله وضع موجود، مطالعات نسبتاً پرحجمی در زمینه‌های مختلف از زمین‌شناسی و هیدرولوژی گرفته تا حمل و نقل صورت می‌گیرد؛ ولی در مرحله تحلیل و استنتاج اغلب پیشنهادات و طرح‌های ارائه می‌شوند که چندان ارتباطی با مطالعات مرحله اول ندارند.

شهر و شهرستان هشکین شهرستان

شهر وستان اوردوئیل



شهر وستان هیانوه

توجه شده براینکه :
 ۱- بر سر محدودت منطقه کاری پيري به پیشنهادي اراضي و نقشه
 تکامل مکانهای جزائري حاشي به اشيب بندي
 بر الامعات اقتضا کرده است و اراضی را دارای مشمول
 بر تکمیل بر سستانه و باز دیده های دقيق مصلحتی

<p>منطقه بندي کاري پيري پيشهادي اراضي محدوده کاربرهای عمده منطقه بندي کاري پيري اراضي و محدوده کاربرهای عمده</p>	<p>منطقه کاري پيري پيشهادي محدوده کاربرهای عمده</p>
<p>منطقه کاري پيري پيشهادي محدوده کاربرهای عمده</p>	<p>منطقه کاري پيري پيشهادي محدوده کاربرهای عمده</p>
<p>منطقه کاري پيري پيشهادي محدوده کاربرهای عمده</p>	<p>منطقه کاري پيري پيشهادي محدوده کاربرهای عمده</p>
<p>منطقه کاري پيري پيشهادي محدوده کاربرهای عمده</p>	<p>منطقه کاري پيري پيشهادي محدوده کاربرهای عمده</p>
<p>منطقه کاري پيري پيشهادي محدوده کاربرهای عمده</p>	<p>منطقه کاري پيري پيشهادي محدوده کاربرهای عمده</p>
<p>منطقه کاري پيري پيشهادي محدوده کاربرهای عمده</p>	<p>منطقه کاري پيري پيشهادي محدوده کاربرهای عمده</p>
<p>منطقه کاري پيري پيشهادي محدوده کاربرهای عمده</p>	<p>منطقه کاري پيري پيشهادي محدوده کاربرهای عمده</p>
<p>منطقه کاري پيري پيشهادي محدوده کاربرهای عمده</p>	<p>منطقه کاري پيري پيشهادي محدوده کاربرهای عمده</p>

کاربرد اراضی و زمینها
 شماره نقشه: SARCT7801
 تاریخ: ۱۳۷۸
 مکان: اوردوئیل

منابع و مأخذ

- ۱- اطهاری، کمال، مقدمه‌ای بر رابطه جامعه و فضا، مجله آبادی، شماره ۴۱-۴۰، ۱۳۷۶.
- ۲- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، مبانی مفهومی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، بخش دوم، شماره ۷۶، ۱۳۷۵.
- ۳- جامعه مهندسان مشاور، تجدید نظر در شیوه‌های تهیه طرح‌های جامع شهری، (منتشر نشده)، ۱۳۷۷.
- ۴- سازمان برنامه و بودجه، مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۵.
- ۵- سرور، رحیم، کارگاه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، جزوه درسی، دوره کارشناسی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری)، ۱۳۷۷.
- ۶- سرور، رحیم، نقش بنیادهای جغرافیای ناحیه‌ای در ساماندهی نظام فعالیت‌های انسان، رساله دکتری (منتشر نشده)، ۱۳۷۸.
- ۷- سرور، رحیم، نقش جغرافیای کاربردی، در ساماندهی نظام فعالیت‌های انسان در فضای ناحیه‌ای، واحد تحقیق و ترجمه مهندسين مشاور زیستا، ۱۳۷۸.
- ۸- سرور، رحیم، نقش جغرافیای کاربردی در طرح توسعه و عمران (جامع) ناحیه، واحد تحقیق و ترجمه مهندسين مشاور زیستا، ۱۳۷۷.
- ۹- شکویی، حسین، جغرافیای کاربردی و مکتبهای جغرافیایی، انتشارات آستان قدس، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- ۱۰- غازی، ایران، مفهوم آمایش سرزمین و رابطه آن با تحلیلهای جغرافیایی توسعه، مجله نقشه‌برداری، شماره دوم، ۱۳۶۹.
- ۱۱- فرهودی، رحمت‌الله، اصول و تکنیکهای برنامه‌ریزی ناحیه‌ای - جزوه درسی دوره دکتری، (واحد علوم و تحقیقات)، ۱۳۷۵.
- ۱۲- فولادی، آمایش سرزمین و جغرافیا، مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۸، ۱۳۶۶.
- ۱۳- مشهودی، سهراب، اصول و مبانی طرح‌های سیال یا منعطف، واحد تحقیق و ترجمه مهندسان مشاور زیستا، ۱۳۷۵.
- ۱۴- مهندسين مشاور معماری و شهرسازی زیستا، طرح جامع شهرستان میانه، مجله آبادی، شماره ۱۷، ۱۳۷۴.
- ۱۵- وزارت کشور، الگوی برنامه‌ریزی شهری در ایران، دفتر برنامه ریزی عمرانی، ۱۳۶۹.
- 16- Giles Clarke-Towards Appropriate Forms of Urban Spatial - Habitat International. Vol 16, No 2, 1992.
- 17- T.W. Freedman "A Hundred Years of Geography" Wyman L.t.d 1971.